

نزاع علنی یا شبیخون برنامه ریزی شده سیاسی فشارهای اقتصادی و سرکوب های سیاسی بکجا خواهد انجامید؟ سواستفاده از سیستم قضایی بمنظور دستیابی با اهداف سیاسی

درک واقعیت سیاسی امروز مبتنی بر نوعی وراثت قدرت
رابطه رهبران سنتی در فضای متفاوت از جو امروز
تأثیرگذاری نفوذ مردمی روی نقش سیاستمداران
ستراتژی جدید بمنظور افزایش جاه طلبی

نزاع در زبان فارسی، از نظر لغوی بمعنای خشکی، تندى و سختی تعریف شده است. هرگونه رفتاری که به هدف وارد نمودن آسیب بیک یابیش از یک پدیده صورت گیرد، خشونت آمیز پنداشته می شود که میتواند بشکل آگاهانه و یا نا آگاهانه اسباب شکل گیری نزاع گردد. علل رفتار یادشده در نوع بشر غالباً موضوع پژوهش علم روانشناسی و جامعه شناسی بوده است. لاوکا زیست شناس سیستم اعصاب، بدین منظور تأکید میکند که "رفتار خشونت آمیز، بمثابة رفتار تهاجمی فیزیکی یا غیر فیزیکی عمدی در قبال فرد دیگر تعریف شده که سبب ساز وقوع نزاع می گردد". دانشمندان بر این موضوع که شکل گیری نزاع ها در نوع بشر ذاتی است، اتفاق نظر دارند. مشاهدات باستان شناسان برین بنیاد قرارداد که درگیری و نزاع ها با صلح جویی بمثابة ویژگیهای ابتدایی پیشا تاریخ وجود دارد. بعلاوه فهم چگونگی نزاع به رابطه قربانی و پرخاشگر نیز وابسته میباشد. درباره نزاع علنی ویا در مقابل درمورد شبیخون برنامه ریزی شده سیاسی بایست خاطرنشان نمود کاصل نزاع و استفاده از زور فیزیکی یا کلامی بمنظور قرارداد دادن دیگران در وضعیتی برخلاف میل آنهاست. در تمامی جهان نزاع و خشونت بمثابة ابزاری به منظور نظارت بر رفتار فردی و جمعی استفاده میشود که در واقع نوعی تلاش برای سرکوب و متوقف نمودن اغتشاش گران در مقابل نگرانی های مربوط باجرای قانون و فرهنگ در یک ناحیه خاص می باشد. اصل نزاع بمفهوم وسیع کلمه، طیف گسترده ای را نیز پوشش میدهد که نباید بهیچوجه فراموش خاطر ما گردد.

قبل از طرح مسایل مربوط به نبشته حاضر، تذکر این مسأله درخور اهمیت پنداشته میشود که در واقعیت امر سیاست ها و خط مشی های دنبال شده توسط دولت های آسیای مرکزی، بویژه در امر مبارزه با تهدیدهای بنیادگرایی مذهبی و افراط گرایی های خشونت آمیز، در مجموع، ناکارآمد پنداشته می شود. اما بمنظور وضاحت بیشتر قضایای موجود کشور، بررسی ستراتیژی های منطقوی پاکستان و حاکمیت های موجود در آسیای مرکزی از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. در این باره بیشتر از سایر موارد، موضعگیری محتاطانه حاکمان پاکستانی در قبال شرایط کنونی، عمدتاً با نگرانی های امنیتی توجیه گردیده که با وضعیت اینچینی، اتخاذ رویکرد عملگرایانه را در دستور روز قرار می دهد. بگمان اغلب که دستیابی به تعامل منطقوی با "طالب" ها، بیش از همه به پابندی حاکمیت "طالب" ها بتعهدات ضد تروریستی و در نظر داشت نگرانی های امنیتی پاکستان مرتبط خواهد بود. بر بنیاد اظهارات صاحب نظران پاکستانی، کشورشان به تقویت همکاری های اقتصادی با افغانستان متعهد بوده و در مورد تضمین امنیت ملی و تحکیم حاکمیت و اقتدار خویش تأکید بعمل می آورند. تذکر این مسأله بيمورد نخواهد بود که نوع تعامل و چگونگی مناسبات حاکمیت های موجود در کشورهای آسیای مرکزی با حکومت کنونی "طالب" ها، بنحوی از انحاء از اهمیت قابل توجه منطقوی و جهانی برخوردار می باشد. بخاطر ما باشد که چگونگی تعامل دول کشورهای آسیای مرکزی با "طالب" ها بر بنیاد منافع اقتصادی و زیربنایی مبتنی می باشد. دول کشورهای یادشده کشور عزیز ما افغانستان را بمثابة پل ارتباطی مجموعه اقتصادی خویش با آسیای جنوبی و بویژه با هند و پاکستان می پندارند. طرح برنامه

های تجاری و انرژی بمنظور ادغام اقتصاد منطقه‌ی، بخودی خود با منافع منطقوی پاکستان همسو پنداشته می شود. اما کشور ازبکستان درصدد لابی گری بههدف ایجاد راه آهن سراسری درکشورما می باشد که بربنیادآن بندر ترمز را از طریق مزارشریف به بندرهای دریایی پاکستان و هند وصل نموده و کشور عزیزما را به شبکه تجاری منطقه یی اتصال می بخشد که با وضعیت اینچنینی، دورنمای اتصال منطقوی از قوه بفعل مبدل خواهد گردید. همچنان خط لوله تاپی که مبدای آن کشور ترکمنستان بوده و مبلغ ۱۰ میلیون دالردر آن سرمایه گذاری می گردد، قرار است تا مسیریادشده از کشور نامبرده آغازو از طریق اراضی میهن عزیزما به کشورهای پاکستان و هند انتقال یابد، "طالب"ها متعهد گردیده اند تا بتعداد ۳۰ هزارتن از نیروهای امنیتی شان را بمنظورتأمین امنیت لوله تاپی بمحل مورد نظراعزام نمایند. پاکستان نیز در برنامه یادشده مشارکت مستقیمش را بمنظورتأمین امنیت انتقال انرژی با اهمیت می پندارد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که انتقال انرژی برق کاسا ۱۰۰۰ برهبری کشورهای تاجیکستان و قرغیزستان، بههدف صدور برق مازاد به آسیای جنوبی، آنهم از طریق اراضی سرزمین کشور عزیزما عملی خواهد گردید که بگونه ای برفع نیازمندی های روزافزون پاکستان بانرژی کمک خواهد نمود.

دراینمورد همچنان کشور قزاقستان با وجود موضعگیری محتاطانه اش، بمنظور ارتقای تجارت وانکشاف سرمایه گذاری، بحذف نام "طالب"ها از فهرست سازمان ها ودسته بندی های ممنوعه وافراطی مبادرت ورزید که بنحوی از آنحا بمثابه اقدامی در تأمین هدفمند تلاش های تب آلود پاکستان بمنظور انکشاف تجارت فرامرزی و ثبات نظم اقتصادی در آنکشور پنداشته می شود. بر بنیاد بیانیة انتشارشده توسط دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری کشور قزاقستان، آنکشور، اسم "طالب"ها را از فهرست سازمان های تروریستی نیز حذف نموده است. این تحول همزمان با تلاش های فدراسیون روسیه بمنظور حذف "طالب"ها از فهرست یادشده می باشد. باید متذکر گردید درحالی که کشورهای آسیای مرکزی بگونه فعالی از ابتکارات یادشده سود می بردند، پاکستان نیز بمنظور توسعه همکاری های مشابه تلاش می ورزید. با وجود اینهمه، نگرانی های امنیتی داخلی وبی ثباتی منطقوی، اسلام آباد را ناگزیر باتخاذ رویکرد متعادل تری نموده است تا تعامل اقتصادی بقیمت امنیت ملی آنکشور تمام نشود.

نباید فراموش نمود با وجود آنکه دول کشورهای آسیای مرکزی در اوایل از چگونگی بازگشت مجدد "طالب"ها بقدرت بیم وهرأس داشتند، اما با گذشت زمان چنین پنداشتند تا با پیروی از اصل تعامل با آنها، تأمین امنیت در کشورهای شان را بگونه ای تضمین نمایند که در کنار عوامل دیگر، موارد ذیل نیز در آن دخیل پنداشته می شود: - چگونگی جلوگیری از گسترش افراط گرایی و ممانعت از اقدامات بنیادگرایانه و بویژه بمنظور رفع نگرانی های نخستین مبتنی بر حمایت "طالب"ها از گروهها ودسته بندی های تروریستی بین المللی؛ - پناه دادن "القاعده"، جنبش اسلامی ترکستان شرقی، "تحریک طالب های پاکستان".

با اینحال، گهگاهی درگیری های مرزی میان نیروهای امنیتی "طالب"ها بویژه در امتداد مرزهای تاجیکستان و ترکمنستان با کشورما نشاندهده این واقعیت می باشد که تنش ها در سطح بالایی همچنان موجود بوده وچگونگی وضعیت امنیتی بگونه ای نا مطمئن و در عین حال مملو از خطرمی باشد. پاکستان، درمجموع مرزهایش بمفهوم یک گل، با مشکلات و معضلات فراوان امنیتی دست بگریبان می باشد که در مورد یادشده، انجام اقدامات عملی وعاجل باید در دستور کار حاکمان آنکشور قرار داده شود.

اما کشورهای آسیای مرکزی با وجود حفظ ونگهداشت کانال های ارتباطی دیپلماتیک، درصدد تضمین امنیت در امتداد مرزهای شان بوده وسعی بعمل می آورند تا از هجوم پناهنده ها ازکشورما جلوگیری بعمل آورند. اما حاکمان پاکستانی با تهدیدهای امنیتی فرامرزی که سبب ساز ایجاد معضلات بیشتری برای آنها می گردد، باید دست و پنجه نرم نمایند.

چگونگی موفقیت مبارزه با تهدیدهای موجود ومشترک، اصل تعامل با "طالب"ها را بخودی خود در امر مبارزه با تروریسم، بویژه علیه "داعش خراسان" که با هر دو طرف دشمنی داشته ونزاع همیشگی دارند، تضمین می نماید. بگفته حاکمان پاکستانی، اسلام آباد درصدد آن می باشد تا در قبال تهدیدهایی که بویژه از سرزمین افغانستان توسط گروه های افراطی از قبیل "تحریک طالب های پاکستان" ناشی می گردد، رویکرد سختگیرانه تری اتخاذ نمایند. دول کشورهای آسیای مرکزی با استفاده وبکارگیری واقعیت های موجود، درصدد شکل دهی آینده سیاسی کشور ما از طرق دیپلماتیک بوده وهرگونه رویارویی در مورد را مردود می پندارند. پاکستان نیز با حفظ تعامل هایی با "طالب"ها، در کنار همکاری های اقتصادی، در موارد امنیتی نیز تأکید بعمل می آورد.

عوامل و فاکتورهای تعیین کننده و کلیدی در مورد یاد شده را می توان بقرار ذیل خلاصه نمود:

خودمختاری منطقه بی، تعامل شرطی و نفوذ روسیه و چین. قابل یاددهانی پنداشته می شود که برخلاف دهه ۱۹۹۰ که کشورهای آسیای مرکزی با "طالب"ها مخالفت می ورزیدند، اکنون در مورد یاد شده، تعامل عملگرایانه ای را پیشه نموده اند. پاکستان که در صدد بازتعریف سیاست خود بوده، ادعا می ورزد که همزمان با حمایت از صلح منطقه بی در صدد حصول اطمینان بر سیدگی به مشکلات و معضلات ستراتیژیک خودش می باشد. اما متذکر باید گر دید که تاکنون هیچ دولتی از کشورهای آسیای مرکزی بگونه علنی حاکمیت "طالب"ها را برسمیت نشناخته اند، اما روابط و مناسبات شان را با "طالب"ها همچنان حفظ نموده اند. حفظ تعامل دیپلماتیک در سایه و اما عدم شناسایی رسمی "طالب"ها از جانب پاکستان بمثابة روش مشابه کشورهای دیگر پنداشته می شود.

همزمان با افزایش تعامل روسیه و چین با "طالب"ها، اصل گفتگوهای سازنده بمثابة ستراتیژی منطقوی مورد توجه قرار می گیرد. پاکستان بمثابة متحد کلیدی چین و بازیگر مهم منطقوی نیز بدلائل مشابه با "طالب"ها در تعامل می باشد. همچنان بر بنیاد گزارش سازمان ملل، "طالب"ها با تعدادی از گروههای تروریستی نیز ارتباط داشته که وضعیت اینچنینی سبب گسترش تهدیدهای تروریستی هم در کشور ما و هم در سراسر منطقه خواهد گردید. در گزارش تیم پشتیبانی و نظارت بر تحریم های شورای امنیت سازمان ملل آمده است که گروههای تروریستی "القاعده" و "طالب های پاکستانی" در اراضی متعلق به پاکستان از آزادی عمل بیشتری برخوردار می باشند. بایست متذکر گردید که نشانه هایی مبنی بر دستیابی ظرفیت های عملیاتی "القاعده" در افغانستان تحت سیطره "طالب"ها نیز موجود بود ده و اراضی متعلق بکشور عزیز ما را بمثابة پناهگاه امنی برای خویش می پندارند.

از جانب دیگر، همچنین در گزارش سازمان ملل آمده است که "طالب"ها با تعدادی از گروههای تروریستی ارتباط داشته و برین بنیاد، تهدیدهای تروریستی هم در افغانستان و هم در سراسر منطقه رو با افزایش می باشد. همچنان از موجودیت اختلافات گسترده ای در درون حلقه رهبری "طالب"ها نیز یاددهانی هایی بعمل آمده است.

در گزارش های اخیر تیم پشتیبانی تحلیلی و نظارت بر تحریم های سازمان ملل آمده است که شماری از گروهها و دسته بندی های تروریستی در مناطق و اراضی تحت سیطره "طالب"ها از آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده و از وضعیت پیش آمده، در حالی که تهدیدهای تروریستی هم در افغانستان و هم در منطقه رو با افزایش می باشد، با استفاده و بکارگیری از اراضی متعلق به افغانستان بگونه گسترده ای سود می برند. در گزارش یاد شده همچنان آمده است که "القاعده" در صدد بازیابی ظرفیت های عملیاتی خود بوده و گروه یاد شده، افغانستان تحت سیطره "طالب"ها را بمنظور انجام عملکردها و اقدامات تخریبکارانه اش، مکان مناسب و محل امنی می پندارد. درین گزارش همچنان آمده است که اما جنگ قدرت میان رهبران جناح های مختلف سبب سازهایی بیشتر اوضاع و پیچیدگی قضایای موجود در کشور گردیده تا جایی که خطر درگیری های مسلحانه میان جناح های رقیب بیش از پیش آشکار می گردد.

واقعیت های میدانی کارزار اجتماعی - سیاسی در کشور، شاهد مدعای ماست.

در این مقطع پرسشی ذهن همه را بخود معطوف می نماید کاینهمه وقایع و ناآرامی ها از کجا و توسط چه کسانی آغاز گردید؟

در مورد یاد شده و در پاسخ به پرسش مطرح شده بایست خاطرنشان گردد که این واقعیت انکار ناپذیر نباید فراموش شود که افغانستان عزیز با تاریخ بسیار غنی که مرکز تلاقی تمدن ها محسوب می گردد، در نتیجه مداخلات خارجی ها از یکجانب و موجودیت عوامل و فاکتورهایی در مجموعه جامعه افغانی از جانب دیگر، میهن عزیز ما بکشورنها یت فقیر و فاقد دورنمای مشخصی مبدل گردید که قبل از همه حقوق و آزادی های شهروندان آن توسط استعمارگران و غارتگران متجاوز خارجی پامال گردید، چه از مدت ها قبل باینسو، چشمان طمع بسیاری از قدرت ها چه در منطقه و چه در سطح جهانی بکشور عزیز ما دوخته شده و در صدد دستیابی بمنافع خودخواهانه شان می باشند، اراضی متعلق بسرمین کشور عزیز ما بمثابة سکوی پرش و تخته خیز بمنظور گسترش برنامه های ژئوپولیتیک و ژئوستراتیژیک برخی از کشورهای غربی مبدل گردیده است.

نباید دست رویدست گذاشته و نباید بیش از این شاهد منفعل سیر حوادث در کشور بود، تادیر نشده باید بمنظور نجات میهن عزیز و شهروندان سرزمین آبایی و اجدادی ما دست بدست هم داده و بمثابة دژ استواری در برابر دسیسه های شوم دور و نزدیک باید ایستادگی و مقاومت نمود.

یکشنبه ۲۱ ماه ثور سال ۱۴۰۴ خورشیدی برابر با ۱۱ ماه می سال ۲۰۲۵ ترسایی